رئیس شورای اسلامی شهر در گفت‌وگو با شهرآرا از چالش‌ها و دستاوردهای این شورا می‌گوید

آینده مهم است؛ پای توسعه مترو ایستاده‌ایم

مهدی عسکری
روزنامه‌نگار

گفت‌وگو | بیش از دو سال از دوره کاری شورای ششم شهر مشهد می‌گذرد و در این مدت تمرکز بیشتر این شورا بر انجام پروژه‌های ناتمام دوره گذشته، اختصاص بودجه ملی برای پروژه‌های کلان و البته سرفصل جدیدی برای آبادانی محلات حاشیه شهر در قالب پروژه‌های زودبازده بوده است. در هم‌کلامی ما با حسن موحدیان که در کارنامه کاری خود، خدمت در نیروی انتظامی و حضور ۹ ساله در سمت فرماندار مشهد را دارد، از بخش‌ها و عرصه‌های مختلف خدمت در شورای شهر، صحبت به میان آمد و رئیس شورای اسلامی شهر مشهد با همان صراحت همیشگی پاسخگوی پرسش‌های ما بود.

عکس: جلیل دستگاری | شهرآرا

در مدتی که از آغاز به کار شـــورای ششـــم گذشته است، مهم‌ترین چالش‌های شهر از نظر شما کدام بوده است؟

شورای ششم به جز من، از ترکیبی جوان و پرانرژی تشکیل شده و این یک مزیت است. مزایای آن جوانی، پرکاری، فکر خلاق و مهارت در تفکر و برنامه‌ریزی است. البته درمجموع تا قبل از شورا، کمتر کار اجرایی کرده بودند، اما به مرور با مشکلات کار اجرایی هم آشنا شدند. در کار اجرایی، تصمیم‌ها به همین سادگی که فکر می‌کنیم به مرحله اجرا نمی‌رسد و ممکن است در اجرا با ده‌ها مشکل و مانع روبه‌رو شود. مثلا برای اجرای یک پروژه بزرگ عمرانی، برآوردهای مالی یک چیز است، اما گاهی قرار است اقلام موردنیاز از بورس تهیه شود که این امر با نوسانات مالی همراه است، به جز این هم شهرداری همیشه پول نقد برای کار ندارد. گاهی هم ممکن است تصور این باشد که شهرداری کم‌کاری می‌کند. البته برخی موارد واقعا کم‌کاری‌هایی وجود دارد، اما در بسیاری موارد این‌طور نیست و انتظارات متناسب با امکانات و توانمندی‌های شهرداری نیست. در هر سازمان هم نواقصی داریم و هم معایبی که مدیر باید پاسخگوی معایبش باشد، اما مدیر مقصر نواقص نیست. گاهی طرح و برنامه هست، اما اعتباری برای مدیر نرسیده تا آن را اجرایی کند، یعنی مدیر دوندگی‌اش را برای به سرانجام رساندن کار انجام داده و نتیجه نگرفته است و نباید سرزنش شود.

فکر می‌کنم موضوع با یک مثال شفاف‌تر می‌شود.

مثلا درباره اتوبوس، شهادت می‌دهم شهرداری بیش از حد برای افزایش ناوگان دوندگی کرده است، اما تولید اتوبوس در اختیار شهرداری نیست و نمی‌توانیم به دلیل خریداری نشدن اتوبوس، شهرداری را مقصر بدانیم. گاهی اعتبار وجود ندارد و گاهی شرکت سازنده بدقولی می‌کند.

فکر کنم هنوز هم درباره شورای ششم حرف دارید...

بله. این تیم مزایا و محاسن زیادی دارد؛ خلاقیت، پرکاری و وقت گذاشتن برای امور مردم. برخی اعضای شورا از روابطی که دارند برای مردم و حل مشکلاتشان استفاده می‌کنند. این‌ها نقاط قوت این شوراست.

به چالش‌های شورا خیلی اشاره نکردید...

در ابتدای کار برخی تفاوت دیدگاه‌ها درباره انتخاب شهردار داشتیم. البته این تفاوت نگرش‌ها یک حُسن هم محسوب می‌شود و چالش نبود. چالش بعدی ما پیمانکاران زیادی بودند که از شهرداری طلب داشتند، به‌طور مداوم جلو ساختمان شهرداری تجمع می‌کردند و بابت پروژه‌هایی که از دوره شورای قبلی آغاز کرده بودند از شهرداری طلبکار بودند. ما هم مجبور بودیم بخش زیادی از اعتباراتمان را به آن‌ها بدهیم. البته پیمانکاران شریک شهرداری هستند و ما هم نباید هیچ‌وقت به شرکای خودمان خیانت کنیم. اگر پروژه‌ها هم به دلیل نرسیدن اعتبار متوقف می‌شد، پاسخی نداشتیم که به مردم بدهیم. این را باور داریم که پروژه‌های نیمه‌تمام سرمایه و پول این شهر است و باید به پایان می‌رسید. ما به‌گونه‌ای کار کردیم که بیشتر پروژه‌های کلان نیمه‌تمام دوره گذشته را تمام کردیم و به بهره‌برداری رساندیم. مدتی قبل هم پل چهارسطحی آزادگان تمام شد که ۸۰ درصد اعتباراتش در این دوره مدیریت شهری و شورای شهر تأمین و هزینه شد. برخی حاشیه‌سازی‌ها از بیرون برای شورا باعث چالش‌هایی شد که از کنارش می‌گذرم. در دوره جدید متأسفانه منابع نقدی ما بسیار کم است، اما نمی‌توانیم پروژه‌ها را هم تعطیل کنیم و باید پول‌سازی کنیم. برخی چالش‌ها هم فقط در پایتخت حل‌وفصل می‌شود. باید تلاش کنیم در سال آینده اوراق مشارکت بیشتری بگیریم. پروژه‌های بزرگی را تعریف کرده‌ایم و باید منابع را به موقع به آن‌ها برسانیم تا پروژه در زمان مناسب به پایان برسد.

اجرای پروژه‌های زودبازده در مناطق حاشیه شهر، در نوع خودش راه رفتن بر روی شمشیر دو لبه بود. از طرفی منتقدان می‌گفتند شورای ششـــم نمی‌تواند روی پروژه‌های بزرگ سوار شود و برای همین به ســـمت پروژه‌های خرد حرکت می‌کند تا رزومه‌سازی کند و از طرف دیگر اجرای برخی از این پروژه‌ها برای برخی مناطق حاشیه شهر، توقع متقابل برای مناطق دیگر هم ایجاد می‌کند و ممکن است به رشد حاشیه‌نشینی کمک کند.

پـروژه بـزرگ شـروع کـردن کـاری نـدارد. متخصصان مدیریت شهری که از این شهر نرفته‌اند. شرکت‌ها و مشاوران بزرگ هم در همین جا هستند و کوچ نکرده‌اند. بنابراین، برای شروع پروژه‌های بزرگ مشکلی نداریم. از پروژه‌های بزرگ دوره گذشته هم مسیر چپگرد بزرگراه آیـت‌ا... هاشمی رفسنجانی، بولوار بصیرت، زیرگذر خلیج فارس، زیرگذر جانباز و ... همه در دوره ما تمام شده است. پس ما، هم پروژه بزرگ شروع کردن را بلد هستیم و هم تمام کردن این پروژه‌ها را. این هم درست نیست که ما را متهم کنند که ما نمی‌توانیم پروژه بزرگ شروع کنیم، اما درباره حاشیه شهر، من هم قبول دارم مسئله مثل تیغ دولبه است. هر چقدر به حاشیه شهر توجه شود، در عمل به گسترش حاشیه‌نشینی دامن زده می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که این حاشیه شهر در حال حاضر جزو محدوده شهر است و اگر خدای نکرده در حاشیه شهر یک اتفاق بهداشتی نامناسب بیفتد، نمی‌توانیم بگوییم همان جا جلویش را می‌گیریم. مگر ما توانستیم جلو کرونا در چین را بگیریم؟ در شورا و مدیریت شهری هم باید به حاشیه مشهد توجه می‌کردیم. اهالی آنجا همشهری‌های ما هستند، در این شهر زندگی می‌کنند و اگر این شهر توسعه و آبادانی داشته، همه توسط نیروهای خدوم همین مردم حاشیه شهر بوده است. ما هم کار زیادی برای آن‌ها نکرده‌ایم. پیاده‌روها را ساخته‌ایم، کوچه‌ها را آسفالت کرده‌ایم و آب‌های سطحی را سامان‌دهی کردیم و این‌ها هم از حداقل‌های بهداشتی و سلامتی است و آنچه حق طبیعی‌شان است به آن‌ها دادیم.

اما منتقدان شـــورا می‌گویند توجه شهرداری به حاشیه شهر بیش از اندازه شده است.

قبول ندارم. این مسئله مربوط به کل شهر است. وقتی نظافت می‌کنید، همه جا بهره‌مند می‌شوند. نمی‌توانیم گزینشی عمل کنیم. با افتخار می‌گویم که برای پروژه‌های زودبـازده ۲ هزار میلیارد تومان هزینه کردیم و اقدامی ضروری بود. عدالت هم ایجاب می‌کند کسانی که در این شهر زندگی می‌کنند از حقوق برابر برخوردار باشند.

شنیدیم در کنفرانس مدیریت شهری که چندی پیش در مشهد برگزار شد، مدیران برخی کلان‌شهرها که مایل به ایجاد هماهنگی برای پیگیری پروژه‌های خرد در کلان‌شهرها بودند، وقتی فهمیدند این پروژه‌ها از مدتی قبل در مشهد آغاز و با اقبال روبه‌رو شده است، متعجب شدند...

ما این موضوع و بحث بازآفرینی و مسجدمحوری را در مجمع مشورتی شورای استان‌ها مطرح کردیم و با استقبال هم روبه‌رو شد. در اجلاس کلان‌شهرها هم کسانی که آمدند، هم با مدیران بازآفرینی مشهد و هم با اعضای شورا تماس گرفته بودند و از الگوهای ما استفاده کردند. ما هم با افتخار می‌گوییم که شهر امام رضا(ع) باید الگوی ساخت‌وساز، نظافت و محیط زیست در کشور باشد.

فکر می‌کنید الحاق روســـتاهای محور توس به مشـــهد اقدامی منطقی باشد؟ شـــما خودتان شـــخصا با این الحاق موافق هستید؟

سال ۱۳۷۵ رهبر معظم انقلاب برای توس دستورات ویژه دادند و مرقومه‌ای خطاب به دولت نوشتند تا وضعیت نابسامان این منطقه درست شود. توجه ویژه ایشان به توس هم بی‌دلیل نیست؛ ایشان خودشان در ادبیات، زبردستی خاصی دارند. فردوسی بزرگ، حماسه‌سرای نامدار کشورمان است. زبان فارسی در بخش زیادی مدیون شهر ماست. من هم زمانی که فرماندار بودم اصرار داشتم که این یادداشت به صورت بزرگ در توس و در معرض دید همه باشد، اما وزرای مختلف که در این سال‌ها آمدند، هرکدام درباره توس دیدگاه‌های آرمانی خاصی داشتند. یادم می‌آید یکی از وزرا اعلام کرده بود روستاهای اطراف توس باید جابه‌جا شود یا طرح‌های عجیب غریب دیگری هم ارائه داده بودند. تا سال ۹۳ که من فرماندار بودم، هیچ اتفاق عملی در توس نیفتاد. دولت وقت هم اعتبار خاصی نداده بود. فقط اعتبار کمی برای خرید املاک اختصاص یافت که آن هم صرف خرید زمین‌های متفرقه شد و هیچ آورده‌ای هم نداشت، ضمن اینکه باید هزینه‌ای هم برای نگهداری از این زمین‌ها پرداخت شود. آن زمان از شورای سوم شهر درخواست کردم که دستور رهبری را که روی زمین مانده است، پیگیر باشند. تنها راه هم این بود که یک شهرداری منفصل در آنجا ایجاد کنیم. وقتی شهرداری منفصل ایجاد کردیم، بولوار مرتب و نظافت هم به موقع در توس انجام می‌شد. در دوره شورای پنجم هم کارهای خوبی انجام شد، اما به هر حال لازم است که در توس کارهای بیشتری انجام شود. وقتی قرار بود توس به مشهد اضافه شود، آن زمان آقای پژمان، شهردار مشهد بود و به این شرط مسئله الحاق توس را پذیرفت که ورودی بولوار شاهنامه که باغات سازمان آب هم در آنجا قرار گرفته است، در محدوده شهر باشد و بتواند از این‌ها درآمد کسب کند و در قسمت‌های محروم روستاها هزینه کند. از آن روستاها که واقعا نمی‌شود درآمدی کسب کرد. متأسفانه بعدها این باغ‌ها را از محدوده منفصل توس جدا کردند. و حالا شهرداری فقط دارد برای توس هزینه می‌کند. البته ما افتخار می‌کنیم که در حال انجام دستور رهبر معظم انقلاب هستیم. از استاندار و معاون شهردار هم می‌خواهم فکری بکنند که شهرداری از همان محل درآمدی داشته باشد و آن را هزینه کند، این قید هم باشد که از آن درآمد، یک ریالش هم در مشهد هزینه نشود. اگر به کارهای انجام شده نگاهی بیندازیم، هنوز منویات رهبری به تمام معنا اجرایی نشده است، اما به نظرم در حد وسعمان کار کرده‌ایم. حالا هم آقای طهوریان در کمیسیون ویژه ساماندهی توس، کارهایی در شورای شهر انجام داده است. سال گذشته نهضت آسفالت شکل گرفت و مردم خیلی راضی بودند. باید دیوارهای برج و باروی توس را هم درست کنیم.

با توجه به اینکه سیاست شورا، شـــهرداری و مدیریت استان، گســـترش مشهد در مسیر شرق اســـت، فکر نمی‌کنید ممکن است در اجرای این سیاست از عمل در این حوزه غافل شوید؟ فکر نمی‌کنید برای به سرانجام رسیدنش، قصه پیوستن روستاهای خارج از مرزهای شرقی به مشهد و حتی تعهدهای غیرضروری روی دوش مدیریت شهری گذاشته شود؟

نه، اینجایی که به محدوده شهر اضافه می‌شود روستایی وجود ندارد. ما در مشهد بحث مرکزیت مضجع منور امام رضا(ع) را داریم، اما با گسترش شهر به غرب، این مرکزیت دچار اشکال شده است. حرم امام رضا(ع) سال‌ها قبل مرکز شهر بود. مثلا اگر تا یک طرف میدان توحید (دروازه قوچان) مرکز شهر بود، از آن طرف به بعد هم خیابان مصلی بود و بعد هم بیابان قرار داشت. بعد از میدان بسیج (فلکه برق) هم بیابان بود. بعد از چهارراه مقدم طبرسی هم بیابان بود. حرم در مرکز شهر قرار داشت، اما کم‌کم شهر به غرب رشد کرد، چون امکان تملک در غرب وجود داشت و زمین‌های زیادی هم امکان واگذاری داشت، اما در شرق چون زمین‌ها وقفی است، امکان تملک کمتر بود. برای همین شهر به غرب گسترش پیدا کرد. البته عمدی در این کار نبود و کسی هم فکرش را نمی‌کرد که مرقد مطهر امام رضا(ع) از مرکزیت بیفتد. این شورا که آمد، آقای ارجائی هم که به عنوان شهردار اول این دوره انتخاب شد اصرار داشت که توسعه شهر باید به سمت شرق باشد تا مرکزیت حرم حفظ شود. قبلا در دوره پنجم توافقاتی با آستان قدس شده بود و ما آن را عملیاتی کردیم. بیشتر توافقات در حد صورت‌جلسه بود. بسیاری از این نکته‌ها را در این دوره عملیاتی کردیم. درباره زمینی که قرار است در آن بیش از ۴ هزار واحد ساخته شود هم به تازگی سندش را درست کرده‌ایم. پارک ۷۳ هکتاری، بخشی از بازگشایی‌هایی که در مصلی، شهرک شهید رجایی و شهید باهنر انجام شد هم در همین راستا بوده و این مناطق به مصلی متصل شده است. امیدوارم هر چه زودتر این مسیرها آسفالت شود و اهالی از آن استفاده کنند. این‌ها بخشی از اقداماتی است که در راستای گسترش شهر به سمت شرق در حال انجامش هستیم. مسئله دوم این است که در غرب مشهد تقسیمات سیاسی است و این تقسیمات اجازه نمی‌دهد از مرز شهر عبور کنیم. بنابراین، گسترش شهر به سمت شرق برایمان مشکلی ایجاد نمی‌کند. در شرق البته بیشتر خیابان‌کشی و توسعه فضای سبز را داریم و فقط مقدار محدودی ساخت‌وساز می‌شود.

چرا هنوز در مشهد که شـــهری بین‌المللی است، آن‌گونه که باید و شاید به عرصه ســـرمایه‌پذیری بین‌المللی، ورود پیدا نکرده‌ایم؟ عرب‌های حوزه خلیج فارس، ســـرمایه‌گذاران کلان آسیای میانه و شهری با ظرفیت بالای مشهد به لحاظ جایگاه ویژه دینی، امنیت بالا و نکات فراوان دیگر برای سرمایه‌پذیری داریم، اما چرا این امتیازها نباید ســـرمایه‌گذاران یاد شده را ترغیب به سرمایه‌گذاری در این شهر کند؟

اصلش این است که سرمایه‌گذار جایی می‌رود که با احترام روبه‌رو شود و سرمایه‌اش حفظ شود. در تضمین سود و سرمایه آن‌ها در مشهد هیچ تردیدی وجود ندارد. اینکه مشهد امنیت بالایی دارد هم هیچ بحثی نداریم، اما آن چیزی که باید به آن احترام گذاشت، یک کاستی است که متأسفانه وجود دارد. وقتی یک سرمایه‌گذار می‌آید – این را با صراحت می‌گویم – می‌خواهد با فلان مسئول کلان شهر یا استان دیدار کند. مقام مسئول باید همان جا وقتش را برای این سرمایه‌گذار خالی کند و این دیدار نباید به فردا یا روزهای دیگر موکول شود. این همان احترام به سرمایه‌گذار است. به نظرم آن احترام، حلقه مفقود این سرمایه‌گذاری است. مشهد از نظر مراکز اقامتی، نیروی کار و خیلی موضوع‌های دیگر هیچ کمبودی ندارد. همه این‌ها فرصت است برای سرمایه‌گذاری. به نظر می‌رسد می‌توان این گره را گشود تا زمانی که سرمایه‌گذار تماس می‌گیرد، تکریم و پذیرفته شود. وقتی سرمایه‌گذار به مشهد می‌آید باید شخص یا اشخاصی مأمور شوند و دنبال کارش را بگیرند. خودش نباید اسیر کاغذبازی‌های اداری شود. فرایندهای طولانی، سرمایه‌گذاران را در استان ما خسته کرده است. سرمایه‌گذار هم وقتی می‌بیند در فلان کشور خلیج فارس در ظرف یک روز می‌تواند تمام مجوزهای لازم را اخذ کند و وزیر آن‌ها هم دنبال کارش را می‌گیرد، به راحتی سرمایه‌اش را به آنجا منتقل می‌کند. البته این مشکل فقط در مشهد نیست و متأسفانه همه‌گیری (اپیدمی) کشوری است. این احترام اگر به وجود بیاید، کار سرمایه‌گذار هم این همه استعلام و دنگ‌وفنگ و موضوع‌هایی از این قبیل ندارد و خیلی بهتر پیش می‌رود. در یک کلام، باید همراهی بهتری با سرمایه‌گذارها داشته باشیم.

همواره در دوره‌های گذشـــته و حال اعلام کرده‌ایم که به برخی کشورها خدمات فنی و مهندســـی صادر می‌کنیم، اما تا به حال تقریبـــا ماحصل صادرات خدمات فنی و مهندســـی را که همواره از آن صحبت شـــده اســـت ندیده‌ایم یا درباره آن اطلاع‌رسانی درستی نشده اســـت. این صادرات چه آورده‌ای برای ما داشته است؟

در اینکه شـهرداری مشـهد به برکت نیروهای متخصصی که دارد، یک شهرداری توانمند است، شکی نیست. بدون تعارف بگوییم که هیچ جای کشور مثل مشهد مدیریت نمی‌شود. البته منظورم کل مجموعه شهرداری است و حرفم درباره یک نفر نیست. بدنه شهرداری مشهد توانمند و قوی است. شهردار مشهد هم در حال ایجاد تغییراتی است تا از نظر ساختاری در تشریفات، امور بین‌الملل و دیپلماسی شهری در شهرداری مشهد تفاوت‌هایی ایجاد کند تا کار با سرعت و بهتر پیش برود و در روابط با کشورهای همسایه بتوانیم خدمات مهندسی خوبی داشته باشیم. البته می‌دانید که شرکت‌های ایرانی در کشورهای همسایه به خوبی فعال هستند، اما در شهرداری بوروکراسی سنگین است. یعنی بخش خصوصی به راحتی در کشورهای همسایه کار می‌کند، اما شهرداری تا بخواهد وارد این فرایند شود خیلی کار دارد و این سنگینی باید برطرف شود.

در دوره‌های مختلف مدیریت شهری، مشهد با شهرهایی از کشـــورهای مختلف خواهرخوانده شده اســـت، اما هنوز برون‌داد مشـــخصی از این خواهرخواندگی به مشهد نرسیده اســـت. شـــاید این خواهرخواندگی اهداف دیگری را دنبال می‌کند که لازم است درباره‌اش بدانیم.

در دوره‌های مختلف مدیریت شهری تفاهم‌نامه امضا می‌شود، آمد و شد شکل می‌گیرد و خواهرخواندگی ایجاد می‌شود و این باعث مودت بیشتر میان دو کشور می‌شود. در کنار آن باید امور دیگر هم باشد و قبول دارم باید برای ما و آن‌ها آورده داشته باشد. امیدوارم در روند توجه ویژه شهردار مشهد به دیپلماسی شهری در عرصه بین‌الملل، این مهم هم زمینه‌اش بیشتر از گذشته فراهم شود. صدور خدمات فنی‌مهندسی هم باید در همین راستا باشد.

در برخی مباحث شـــورای شـــهر، مثل تصویب لوایح و طرح‌ها، تضارب آرا بین اعضای شورا زیاد است. این را ناشی از اختلاف سلیقه ساختاری می‌دانید یا اینکه از کنار آن می‌گذرید و معتقد به تئوری اتاق شیشـــه‌ای و شـــفافیت در اعلام آرا و نظرات اعضای شـــورا هســـتید و این تضارب آرا را هم امری طبیعی می‌دانید؟

قرار نیست تمام مسائل با یک دستی نظرات حل شود. به‌طور طبیعی در شورا باید اختلاف سلیقه وجود داشته باشد، اما به این معنا که از این اختلاف نتیجه مشخصی بیرون بیاید و نفعش برای مردم باشد. مسائل کارشناسی با نظرات متفاوت مطرح می‌شود و در نتیجه باید رأی‌گیری کرد تا با اکثریت آرا کار پیش برود. نگران شفافیت هم نیستیم و به آن اعتقاد کامل داریم. این تضارب آرا هم یکی از هزینه‌های شفافیت است. یک مثال برایتان بزنم؛ درباره تخفیف‌هایی که از دی‌ماه شروع شده است، خیلی‌ها با من تماس گرفتند و پیامک زدند که این کار با توجه به اوضاع رکود فعلی به صلاح نیست و بهمن‌ماه باید افزایش رقم داشته باشید. اطلاع دقیق مردم از مصوبات شورا، ناشی از وجود همین اتاق شیشه‌ای است. امیدوارم همه اختلافات کارشناسی را در شورا با تقوا پشت‌سر بگذاریم. اختلاف اگر نتیجه‌اش به نفع مردم باشد خیلی خوب است.

اگر تهران را کنار بگذاریم، مشهد در مسئله قطار شهری از دیگر شهرهای کشور با اختلاف پیشروتر است. با این حال توقع از قطار شهری مشهد زیاد است. در دوره چهارم آقای مرتضوی، شهردار وقت، پیگیری‌های کلانی برای قطار شهری انجام دادند و اصلاح مبانی قرارداد انجام شد. خط ۲ هم از رکورد خارج شد و به نتیجه رسید. اما حالا هزینه‌ها بســـیار نجومی شده و هر کیلومتر ۱۵۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد. کمک‌های دولتی هم در بهترین حالت از ۷۰۰ میلیارد تومان مجوز فروش اوراق فراتر نمی‌رود. بخش زیادی از بودجه شهرداری همه ساله برای قطار شهری صرف می‌شود. نیازمند تمهیدات ملی برای این مسئله هستیم. باید به شهری که قرار است در افق آینده، ۴۰ میلیون زائر داشته باشد، توجه ویژه‌ای شود. در غیراین‌صورت با رویه فعلی تزریق بودجه، قطار شهری هم این دوره و هم دوره‌های آینده شورا را به شدت مستهلک خواهد کرد.

مشهد به دلیل وجود زائران فراوان، شهری زیارتی و خدماتی است. سند توسعه مشهد نیز بر مبنای خدمات است. در این‌باره ما پیشرو بوده‌ایم و باید پیشرو بمانیم. باید سرعت بیشتری به کار بدهیم. تا جایی که توانسته‌ایم از طریق مجمع مشورتی شورای عالی استان‌ها و از طریق نمایندگان مجلس پیگیری کرده و از آن‌ها خواسته‌ایم فهرست کارهایی که برای کاهش آلودگی هوا در کلان‌شهرها انجام داده‌اند، اعلام کنند. دولت باید توجه بیشتری به محیط زیست و کاهش آلایندگی هوا داشته باشد. هیچ راهی هم جز مترو نداریم. می‌توان از بی‌آرتی هم استفاده کرد، اما هیچ‌کدام مثل مترو نیست. دو خط مترو دیگر هم در مشهد در حال حفاری است، اما کار آن‌گونه که باید سرعت ندارد. این شورا و شهرداری، اصرار دارد تا خرداد سال آینده، خط ۳ را مسافرگیری کنیم. البته تا پایان امسال تست گرم خط ۳ از پایانه مسافربری تا میدان شهدا را انجام می‌دهیم. این جزو اولویت‌های مهم ماست. اگر پولی که زیر زمین هزینه می‌کنیم، روی زمین هزینه کنیم، می‌توانیم ۱۰ پروژه خیلی بزرگ برای مردم داشته باشیم، اما مترو واقعا اولویتی اساسی است و ما پای تکمیل آن ایستاده‌ایم. خیلی از مسئولان کشوری که پای کار آمده‌اند، از کار ما تقدیر کرده‌اند. باید بدانیم که مترو جزو ضروریات زندگی امروزی ماست. ایمن، سریع و پاک بودن از آلودگی. اگر همین خط ۲ نبود خیلی مشکل داشتیم. برای خط یک هم شصت واگن کم داریم و از بابت کمبودها از مردم عذرخواهی می‌کنیم. امیدواریم بتوانیم کار را به درستی انجام بدهیم. خسارت بیماری آلودگی هوا، تعطیلی مدارس، ترافیک و ... همه این‌ها به ضرر مردم است. دولت باید به این مسئله توجه بیشتری داشته باشد. این مدل تزریق دولتی به متروها خیلی سخت است، اما اصرار داریم که در دوره اخیر شورا، هر سه خط مترو به هم وصل شود و مردم به راحتی بتوانند سفر کنند. ما به راه‌آهن و فرودگاه، مترو داریم، فقط پایانه مسافربری مانده که ان‌شاءا... آن هم متصل می‌شود.